

کی‌روش در جمع گزینه‌های آستک‌ها

در حالی که کارلوس کی‌روش با تیم ملی فوتبال ایران قرارداد دارد، برخی منابع خبری از وجود نام او در فهرست گزینه‌های هدایت تیم ملی مکزیک خبر می‌دهند. فدراسیون فوتبال مکزیک پس از اخراج میگل هررا به دلیل تنک زدن یک خبرنگار به دنبال جانشینی برای اوست که کارلوس کی‌روش به عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی برای این پست در نظر گرفته شده است. به نوشته روزنامه او ژوگووی پرتغال، فدراسیون فوتبال مکزیک علاوه بر کی‌روش ۴ مربی دیگر را نیز مدنظر دارد. پائولو بنتوی پرتغالی، پدرو کائیکسیای پرتغالی، گوستاوو ماتوساس آرژانتینی و ریکاردو فرراتی برزیلی از دیگر گزینه‌های مدنظر فدراسیون فوتبال مکزیک هستند. این فدراسیون تاکید کرد که در ماه اوت سرمربی تیم ملی مکزیک را انتخاب خواهد کرد.

دژاگه با بالوتلی و کاسانو همبازی می‌شود؟

سرمربی ایتالیایی العربی قطر به دنبال آوردن ستاره‌های بزرگ به این تیم است. او می‌گوید به جذب کاسانو و بالوتلی علاقه دارد و می‌خواهد این دو بازیکن بزرگ ایتالیایی را به تیمش بیاورد. جیان فرانکو زولا، سرمربی ایتالیایی العربی که در تابستان سال جاری هدایت این تیم را بر عهده گرفت به دنبال خریدهای بزرگ است. این مربی دوست دارد که ستاره‌هایی همچون ماریو بالوتلی و آنتونیو کاسانو را به لیگ قطر ببرد. ستاره سابق چلسی گفت: در لیگ ستارگان قطر بازیکنان بزرگ زیادی بازی می‌کنند بنابراین کاملاً طبیعی است که ستاره‌هایی همچون بالوتلی و کاسانو هم به این لیگ بیایند. من دوست دارم که این دو بازیکن را با پیراهن العربی ببینم. الان پرونده فصل جابه‌جایی برای العربی بسته شده است اما اگر فرصت به وجود بیاید دوست دارم که این دو بازیکن را در تیمم ببینم.

بازگشت BBC با دو گل!

مثلث ته‌اجمی باشگاه رئال مادرید با تنها دو گل زده به اسپانیا بازگشت، رئال مادرید که برای تور پیش فصل خود به کشورهای استرالیا و چین سفر کرده بود، اکنون به اسپانیا بازگشته است. این در حالی است که کریستیانو رونالدو، گرت بیل و کریم بنزما که مثلث ته‌اجمی این تیم را تشکیل می‌دهند در چهار دیدار دوستانه کهکشانی‌ها تنها موفق به زدن دو گل شده‌اند. هم کریستیانو رونالدو و هم گرت بیل در تمامی این چهار مسابقه در ترکیب ثابت حضور داشتند.

رونالدو ۲۲۶ دقیقه در ترکیب رئال مادرید بازی کرده و بیل نیز یازده دقیقه بیش از رونالدو در زمین بود. شرایط کریم بنزما کمی متفاوت است. این مهاجم فرانسوی مقابل رم روی نیمکت ذخیره‌ها نشست و در نیمه دوم به جای خسه رودریگس به میدان رفت. کریم در دیدار دوم مقابل منچسترسیتی در ترکیب ثابت قرار گرفت و همین اتفاق برایش در دیدار مقابل میلان رخ داد.

بنزما اما در دیدار سوم مقابل اینتر به میدان نرفت. رکورد بنزما بهتر از رونالدو بیل است زیرا او در ۱۳۵ دقیقه‌ای که برای رئال مادرید به میدان رفت موفق به زدن یک گل شد.

ترکمنچای فدراسیون فوتبال و صدا و سیما!

قرارداد عجیب حق پخش تلویزیونی سرانجام منعقد شد

برنامه‌های تلویزیونی به صورت دیجیتال ارائه می‌شود. حالا اینکه فدراسیون فوتبال در تامین محتوای تلویزیون اینترنتی چه کمکی می‌تواند به سازمان صدا و سیما داشته باشد تنها چیزی ای که به ذهن متبادر می‌شود این است که بازی‌های فوتبال را از طریق تلویزیون‌های اینترنتی پخش کند. مسئله‌ای که البته با توجه به سود سازمان صدا و سیما از محل پخش مسابقات فوتبال در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. نکته بعدی این است که مردمی که حاضر نیستند حتی برای دیدن مسابقات فوتبال به ورزشگاه‌ها بروند چطور حاضر می‌شوند مسابقات را از طریق اینترنت و با پرداخت هزینه ببینند؟ حتی این موضوعات هم در درجه دوم اهمیت قراردارد. چرا در این تفاهم‌نامه اشاره‌ای به میزان دقیق درآمد سازمان فوتبال ایران از این طریق نشده است؟ چرا اساساً میزان درآمدهای حاصل از این ماجرا حرفی به میان نیامده است؟

در حالی که باشگاه‌داری در فوتبال ایران چند وقتی است که با بحران مالی مواجه شده است و تیم‌ها بدهکار هستند چراهیچ اشاره آشکار و شفافیه مسئله مالی نشده است تیم‌های لیگ برتری بدانند که چه میزان قرار است از محل این تفاهمنامه کسب درآمد کنند. مگر نه این است که همین مدیران چندی پیش خبر از محرومیت یازده تیم به دلیل بدهی مالی دادند؟ چگونه است که حالا خودشان نمی‌توانند منابع درآمدی این تیم‌ها را به خوبی و با شفافیت بالا تامین کنند؟ در همه جای دنیا تیم‌ها نزدیک به یک سوم هزینه‌ها خود را از طریق قرارداد حق پخش تلویزیونی پوشش می‌دهند. اما در کشور ما همچنان ماجرای حق پخش یک علامت سوال بزرگ است.

علامت سوالی که با شاهاکار مدیران فدراسیون و سازمان لیگ سرانجام مشخص شد چیزی از آن قرار نیست به فوتبال ما برسد. چه اینکه وقتی قرارداد حق پخش مثل سال گذشته عدد و رقم شفاف و دقیقی داشت نتوانستند از آن چیزی کاسب شوند حالا چه برسد به این قرارداد که در آن همه چیز مهم است و در آن هم تاکید شده که فدراسیون فوتبال نمی‌تواند در خصوص حق پخش ادعای داشته باشد.

در این میان موضع سازمان صدا و سیما هم در نوع خود جالب است. سرافراز و تیمش به خوبی از ضعف‌های آشکار مدیران فوتبالی ایران استفاده کردند و یکی از بهترین قراردادهای ممکن را تاکنون منعقد کرده‌اند. آن‌ها نه تنها از محل فوتبال منتفع می‌شوند و کسب درآمدهای قابل توجهی دارند بلکه در این حق را هم به فوتبال نمی‌دهند که حق خود را کسب کند و پرداخت پول فوتبال را منوط به اختصاص بودجه از طریق دولت می‌دانند. درواقع اگر دولت در ردیف بودجه‌اش جایی برای حق پخش تلویزیونی تیم‌ها دید این سازمان به فوتبال ایران پول می‌دهد و اگر ندید دست فوتبال ایران مانند سال گذشته خالی می‌ماند. این درحالی است که طی مصوبه مجلس دولت دیگر نمی‌تواند به باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال پولی پرداخت کند و اگر این ایده عملی شود شاید به نوعی این مصوبه مجلس هم دور زده شود.

اما همچنان این سوال در خصوص سازمان صدا و سیما مطرح است که چرا آن‌ها رضی نیستند در ازای درآمدهای مستقیمی که از محل فوتبال عایدشان می‌شود، حق فوتبال را هم مستقیم بدهند و آن را به اما و اگر تامین از جیب دولت منوط می‌دانند؟ به هر حال امضای تفاهمنامه سازمان صدا و سیما با فدراسیون فوتبال با این جزئیاتی که منتشر شده بی‌شک یکی از تاریخی‌ترین برگه‌های کتاب مدیریت محمد سرافراز و علی کفاشیان است. یکی در مقام یک برنده بزرگ و دیگری در مقام یک بازنده بزرگ.

کرده و در واکنش به سخنان مهدی تاج که از برگزار نشدن مسابقات لیگ به دلیل عدم پرداخت حق پخش فوتبال سخن گفته بود، گفت: سازمان لیگ نمی‌تواند لیگ جدید را به خاطر عدم پرداخت حق پخش فوتبال برگزار نکند. سخنان محمد سرافراز و پیشتر از آن انتشار جزئیات تفاهمنامه سازمان صدا و سیما و فدراسیون فوتبال به خوبی نشان می‌دهد که مدیران فوتبال ایران نه فن مذاکره را بلدند و نه گرفتن حق خودشان و مجموعه بزرگ ذی‌نفعانشان. همین می‌شود که سرانجام در متن تفاهمنامه که مدیران فوتبال ایران با سازمان صدا و سیما امضا می‌کنند می‌آید که «بر اساس این توافق، فدراسیون فوتبال متعهد می‌شود در باره پرداخت حق پخش تلویزیونی ادعایی را مطرح نکند.»

امضای تفاهمنامه‌ای که این بند را در خود گنجانده دیگری شاهکار است. فکرش را بکنید که شما برای گرفتن یک حق پای میز مذاکره نشست‌ه‌اید و در پایان زیر برگه‌ای را امضا می‌کنید که در آن آمده باشد شما حق ندارید در خصوص آن موضوع ادعایی داشته باشید.

فدراسیون فوتبال در ازای دادن این امتیاز

مهم به سازمان صدا و سیما اما به زعم خودش یک امتیاز هم گرفت و آن هم «مشارکت فدراسیون فوتبال در تامین محتوای خدمات IPTV را که منجر به کسب درآمد بر اساس ضوابط مربوطه برای فدراسیون فوتبال خواهد شد.»

آی بی تی وی (IPTV) سامانه‌ای است که در آن با استفاده از پروتکل اینترنت (IP) روی یک زیر ساخت شبکه با پهنای باند وسیع،

روز پنجشنبه سوت آغاز لیگ برتر فوتبال ایران در تابستان داغ ۹۴ زده شد. اما همانند فصل‌های قبل شروع لیگ برتر ایران با حواشی و اتفاقات همیشگی همراه بود. دو هفته مانده به آغاز رقابت‌های لیگ برتر صحبت از این به میان آمد که یازده تیم لیگ برتری به دلیل بدهی اجازه حضور در مسابقات لیگ را ندارند. ماجرای که تقریباً هیچ کس آن را جدی نگرفت و در نهایت هم دیدیم که روز گذشته همه شانزده تیم لیگ برتری اعم از بدهکار و غیر بدهکار در زمین حاضر شدند و مسابقات را برگزار کردند. موضوع مهم بعدی حق پخش تلویزیونی بود. فدراسیون فوتبال که سال گذشته بعد از راه ندادن دوربین‌های صدا و سیما به ورزشگاه‌ها موفق شده بود با سازمان صدا و سیما به یک تفاهم مالی برسد هنوز که هنوز است نتوانسته از این سازمان پولی دریافت کند و برای همین در آستانه شروع لیگ برتر بار دیگر صحبت از مذاکره با سازمان صدا و سیما به میان آمد. مذاکراتی که باز هم در آن سازمان فوتبال ایران دست پایین را داشت و صدا و سیما از موضع بالا و با تحکم حرف‌هایش را به مدیریت فوتبال ایران دیکته کرد. حالا اگرچه کفاشیان خوشحال است که تفاهمنامه‌ای با سازمان صدا و سیما در دست دارد که بنا به ادعای خودش حقوق فوتبال را استیفا می‌کند اما جزئیات این قرارداد و حتی موضع گیری رئیس سازمان صدا و سیما نشان می‌دهد که واقعیت کار چیز دیگری است. در واقع نتیجه مذاکرات

طولانی فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ با سازمان صدا و سیما در چند سال اخیر سرانجام در تفاهمنامه‌ای که بیش از آغاز لیگ منتشر شد خلاصه می‌شود

که «فوتبال سهمی از درآمدهای صدا و سیما ندارد.» چرا که محمد سرافراز

یک روز بعد از امضای تفاهمنامه و

در واکنش به ژست‌های رسانه‌ای

مدیران فوتبال که از احقاق حق

فوتبال و دریافت حق پخش

سخن گفته بودند گفت:

«سازمان صدا و سیما تا

زمانی که دولت طبق

قانون بودجه مشخصی

برای پرداخت حق

پخش فوتبال به

سازمان ارائه نکند،

حق بخشی پرداخت

نخواهد کرد.»

محمد سرافراز حتی پا را

فراتر گذاشته و برای

سازمان لیگ هم

تعیین تکلیف

خبر آخر

قاسمی: برای شکست

جردن باروز به آمریکامی روم

آزادکار وزن ۷۴ کیلوگرم ایران می‌گوید: با کسب مدال طلا در تورنمنت زیلکوفسکی نشان داده‌ام از همه حریفان بهتر هستم و شایستگی رسیدن به دوپنده تیم ملی را دارم. علیرضا قاسمی درباره کسب مدال طلا در تورنمنت زیلکوفسکی لهستان اظهار کرد: از اینکه توانستم پس از قهرمانی در رقابت‌های انتخابی تیم ملی در تورنمنت زیلکوفسکی نیز که تعداد زیادی از بهترین‌های کشتی جهان در آن حضور داشتند، عنوان قهرمانی را به دست بیاورم بسیار خوشحالم و به همه ثابت کردم که از همه حریفانم بهترم و شایستگی رسیدن به دوپنده تیم ملی را دارم.

قاسمی درباره اهداف خود در تیم ملی و همچنین حضور در مسابقه‌های جهانی ۲۰۱۵ لاس‌وگاس خاطر نشان کرد: انگیزه بسیار زیادی دارم تا در مسابقه‌های جهانی به مدال طلا برسم. باور کرده‌ام که می‌توانم طلا بگیرم و مقابل حریفان نامدار خود به پیروزی برسم. مطمئناً در فاصله یک ماه مانده تا مسابقه‌های جهانی با تمام وجود تلاش می‌کنم و همه چیز را می‌گذارم تا به موفقیت برسم. در آمریکا هم سعی می‌کنم با تمرکز کافی به روی تشک بروم و بهترین کشتی‌های خودم را به نمایش بگذارم. مطمئناً بازگشت از آمریکا بدون کسب مدال طلا هیچ فایده‌ای ندارد. نفر اول انتخابی تیم ملی کشتی آزاد در باره رقابت با جردن باروز آزادکار مطرح آمریکایی در وزن ۷۴ کیلوگرم نیز گفت: باروز را به خوبی می‌شناسم و برای شکست او به آمریکا می‌روم.

او موفق شده بسیاری از کشتی‌گیران مطرح دنیا از جمله تعدادی از کشتی‌گیران ایرانی را همیشه شکست دهد، اما شکست خوردن مقابل او هنر و نبست بلکه بردن او هنر می‌خواهد. شکست او برابرم بسیار مهم است چرا که می‌خواهم ست‌شکنی کنم. آزادکار وزن ۷۴ کیلوگرم تیم ملی گفت: من به خوبی نحوه کشتی گرفتن او را می‌شناسم و در فرصت باقی مانده تا مسابقه‌های جهانی نیز فیلم کشتی‌هایش را می‌بینم. با صحبت‌های مربیان با شناخت کامل به مصاف این حریف خواهیم رفت. مطمئناً با اسم او کاری ندارم و فقط برای شکست باروز به روی تشک می‌روم.

اینستوگرافی



رونمایی آبداس از پیراهن جدید شباپین سرخ

رابطون او گذرانده و حالا دیگر از او جز خاطراتش نمانده.

هنوز هم تاثیرات مثبتی که روی والیبالیان ایران گذاشت را به وضوح می‌بینیم و هر بار و در پس هر تحلیل و گزارشی یادش می‌کنیم. حسین معدنی نیست و در روزگاری که خیلی‌ها پس از مردن تطهیر می‌شوند تمام بدی‌هایشان دور ریخته می‌شود، شاید گفتن و نوشتن از خوبی‌ها و ویژگی‌های اخلاقی‌اش اتفاق جالبی نباشد اما او واقعا متفاوت بود.

در زمان زنده بودنش هم خیلی‌ها به اتفاق معتقد بودند که حساب او از بسیاری از مربیان والیبالیان ایران جداست. چه از لحاظ فنی و چه اخلاق خاص و ویژگی‌هاش که شاید پیدا کردن یک خاطره و رفتار بد از او را به یکی از دشوارترین کارهای دنیا تبدیل کرده است. با این حال او هم کم بدی ندید و نامهربانی‌ها و ناامایمتی‌های زیادی را در زمان حضورش در کادر تیم ملی دید و صدایش هم در نیامد. ناگفتنی‌های زیادی از آن روزها و رفتارهای ناماناسی که با حسین معدنی از سوی برخی افراد شد با خود او به زیر خوراک‌ها خاک رفته و شاید اگر نبش قبری نباشد هیچگاه گفته نشود. دیگر مهم نیست، او رفته و حالا شاید باشد و یا بشود و یا بشود حسین آقا هم باشد که بیشتر به زنده‌ها برسیم. زنده‌هایی که خیلی‌هاشان سال‌ها پیش از اینکه به حیات ابدی برسند، بارها در والیبالی می‌میرند و زنده، به حال خودشان رها می‌شوند.

چهره روز

بازگشت ژنرال

امیرقلعه‌نوی لیگ رای‌ی حاشیه و با یک پیروزی ارزشمند آغاز کرد. مربی فصل قبل آبی‌های پایتخت که در این فصل روی نیمکت استقلالی‌ها جایی نداشت سرانجام سر از بندر انزلی درآورد تا روی نیمکت ملوان بنشیند و در اولین گام ذوب‌آهن قدرتمندرا شکست دهد. امیر قلعه‌نوی که تیمش سال گذشته در برابر مربیان جوانی چون یحیی گل محمدی حرفی برای گفتن نداشت و شکست‌هایش برابر نسل جوان مربیان فوتبال ایران منجر به اخراجش از استقلال شد حالا بار دیگر خود را اثبات کرده و توانسته در جمع یکی از سه تیم برنده هفته نخست قرار بگیرد. اگرچه علی‌رغم این شروع خوب خودش چندان به آینده امیدوار نیست و با توجه به بی سرو سامانی مدیریتی ملوان اعلام کرده که اگر همه چیز درست نشود از انزلی می‌رود.

